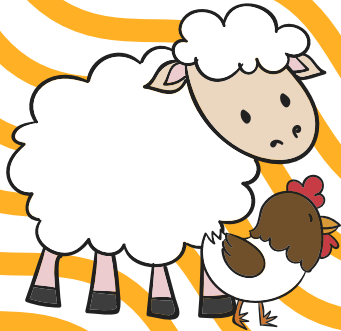




ایلا



غریبه بیت لحم



سفر عیسی به بیت لحم



گروه سنی: ۴-۱۲ سال

تعلیم: عیسی، شاه شاهان، آن سرور آسمانی، تنها به خاطر عشق / محبت بی کرانش حاضر شد راهی این سفر شد.

کاربرد: درک این عشق به من هم کمک می کند تا وارد این سفر روحانی شود. و با همان عشق من هم می توانم در

این سفر به مقصد برسم.

منبع: لوقا ۱: ۲۶-۳۸، ۲: ۱-۲۰ و یوحنا ۳: ۱۶

آیه حفظی برای کل مجموعه: امثال ۳: ۵ و ۶

مقدمه:

این درس به گونه‌ای طراحی شده است که برای همه گروه‌های سنی مناسب باشد. این درس، آخرین درس از سلسله دروس سفر به بیت‌لحم می‌باشد. شما را تشویق می‌کنیم در صورت امکان همه بچه‌ها را از همه گروه‌های سنی ادا‌قام کنید. دلیل این کار این است که بچه‌ها باید بدانند که ما از هر سنی که باشیم با هم در این سفر همراه هستیم. ورود به پادشاهی خداوند ربطی به سن و جنسیت ما ندارد. عیسی برای نجات همه انسان‌ها به این دنیا آمد.

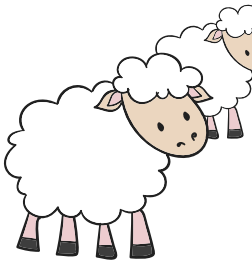
- ♦ به بچه‌ها از یک روز قبل یادآوری شود که کوله‌پشتی و یا چمدان‌شان را به‌همراه توشه‌هایی که از هفته‌های قبل یافتند به جلسه بیاورند.
- ♦ از بچه‌ها بخواهید آیه حفظی این چند هفته را با هم مرور کنند. آیه حفظی برای کل مجموعه: امثال ۳: ۵ و ۶
- ♦ از بچه‌ها بپرسید که چرا این آیه را با هم یاد گرفتیم؟
- ♦ این آیه چه ربطی به توشه‌هایی که تا به حال برای سفر برداشتیم دارد؟ (توشه‌هایی که تا به حال برداشتیم: شجاعت، استقامت، ایمان)
- ♦ با تمام دل خود بر خداوند توکل کن، و بر عقل خویش تکیه نمما؛ در همه راه‌های خود او را در نظر داشته باش، و او طریق‌هایت را راست خواهد گردانید.
- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که ما بالاخره به انتهای این سفر پر ماجرا رسیدیم. در طی این سفر در سه ایستگاه توقف داشتیم:
 - ♦ ایستگاه اول: ناصره
 - ♦ ایستگاه دوم: همدان
 - ♦ ایستگاه سوم: روستایی در نزدیکی بیت‌لحم
- ♦ اما همانطور که از ابتدا می‌دانستیم ما قرار است در چهار ایستگاه توقف داشته باشیم. از بچه‌ها بخواهید حدس بزنند که ایستگاه چهارم چه ایستگاهی است.

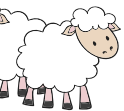
بازی چهارمین ایستگاه

(این بازی مناسب جلسات ساختمانی و جلسات اینترنتی است)

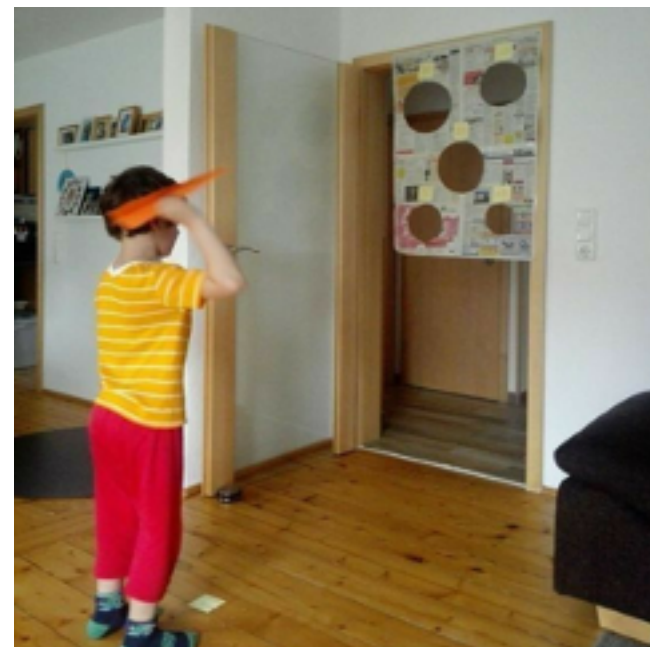
- ♦ در صورتی که در جلسات ساختمانی شرکت می‌کنید، می‌توانید دارتی را تهیه کرده و از بچه‌ها بخواهید به نوبت امتحان کنند و دارت را به هدف بزنند. این بازی را چندین بار انجام دهید. بچه‌ای که بیشترین امتیاز را بیاورد این فرصت به او داده می‌شود که جعبه این هفته را باز کند و رمز این هفته را با بقیه در میان بگذارد (در صورتی که تعداد بچه‌ها زیاد است، بچه‌ها را به گروه‌هایی تقسیم کنید. گروه برنده می‌تواند جعبه این هفته را باز کند).
- ♦ در صورتی که در جلسات اینترنتی شرکت می‌کنید، از بچه‌ها بخواهید از قبل روزنامه‌ای را تهیه کرده باشند، یک دایره در وسط روزنامه ببرند. روزنامه را به چارچوب در وصل کنند. همچنین یک موشک کاغذی درست کنند (برای بچه‌های کم‌سن‌تر از والدین بخواهید که به بچه‌ها کمک کنند). به بچه‌ها بگویید که باید سعی کنند موشک را از داخل دایره وسط روزنامه رد کنند. سه بار این بازی را انجام دهید. هر بچه‌ای که بیشترین امتیاز را بیاورد این فرصت به او داده می‌شود که جعبه این هفته را انتخاب کند.

هدف از این بازی مفهوم هدف و رسیدن به هدف است.





- ♦ در جعبه مورد نظر را باز کنید. در جعبه آخر یک پاکت نامه به همراه یک ساعت، یک سانتی‌متر و یک ظرف اندازه‌گیری برای آشپزی قرار دارد.
- ♦ در داخل پاکت آخر پیغامی گذاشته شده است: آفرین که با شجاعت، استقامت و ایمان تا به مرحله آخر این سفر رسیدید. شما در ایستگاه چهارم قرار دارید. این ایستگاه در آسمان است! بله، آسمان. تعجب کرده‌اید؟! این مهم‌ترین ایستگاه است. اگر این ایستگاه نبود، هیچ کدام از ایستگاه‌های قبلی هم وجود نداشت. خوب آماده هستید از این ایستگاه به سمت بیت‌لحم برویم؟ برای سفر از این ایستگاه به بیت‌لحم شما به یک موشک یا سفینه فضایی احتیاج ندارید. برای این سفر شما به یک متر یا خط‌کش، یا ظرف اندازه‌گیری توی آشپزخانه و یا ساعت احتیاج دارید! خوب آماده‌اید؟ حرکت....
- ♦ برای جلسات اینترنتی به بچه‌ها ۲ دقیقه فرصت دهید تا سریع یکی از این وسایل را پیدا کنند و با خود جلوی صفحه کامپیوتر بیاورند. برای جلسات کلیسایی، در صورت امکان خودتان به تعداد بچه‌ها خط‌کش یا متری تهیه کنید و در اختیار بچه‌ها بگذارید (می‌توانید در انتهای جلسه به بچه‌ها متر را هدیه دهید).



داستان کتاب مقدس

- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که در ایستگاه امروز ما با مهم‌ترین همسفرمان آشنا می‌شویم. چه کسی می‌داند که او کیست؟
- ♦ عیسی مسیح مهم‌ترین همسفر ماست. اگر به‌خاطر او نبود این سفر معنا نداشت.
- ♦ داستان سفر به بیت‌لحم از شهر ناصره شروع شد. ما داستان یوسف را در ایستگاه اول یاد گرفتیم. اما خوب می‌شود یک کم بریم عقب‌تر، یعنی زمانی که فرشته خداوند بر مریم نازل شد (لوقا ۱: ۲۶-۳۸) به زبان ساده برای بچه‌ها تعریف کنید).
- ♦ اما واقعیتش این است که داستان سفر به بیت‌لحم حتی به زمانی قبل‌تر از این ماجرا برمی‌گردد. اگر آماده هستید بنشینید تا داستان را برای شما تعریف کنیم.

متن داستان تولد عیسی را برای شما در زیر تهیه دیده‌ایم. خیلی مهم است که این متن به‌صورت حماسه‌ای و روایتی تعریف شود. خوب می‌شود که از دو راوی استفاده کنید. راوی‌ها را به بچه‌ها معرفی کنید، راوی‌ها می‌توانند شخصیت‌های افسانه‌ای باشند. شما را تشویق می‌کنیم به شکلی فضا سازی کنید تا بچه‌ها احساس کنند که وارد یک صحنه تئاتر شده‌اند و یا فیلمی را بر روی پرده سینما می‌بینند.

متن داستان سفر به بیت‌لحم این داستان برگرفته از انجیل یوحنا ۳: ۱۶ می‌باشد.

در زمان‌های دور، پادشاهی زندگی می‌کرد بسیار قدرتمند. او صاحب همه چیز بود. هیچ قدرتی مانند او نبود. در قلمروی پادشاهی او همیشه روز و روشنایی بود. در رودخانه‌ها شهد غسل جاری بود و صدای بلبل‌ها تمام شهر را پر می‌کرد. صدای خنده و شادی بچه‌ها در کوچه‌های این سرزمین زیبا شنیده می‌شد. صلح و سلامتی تمام این سرزمین را در برگرفته بود. شیر و بره در کنار

هم در صلح و آرامش زندگی می‌کردند.

اما روزی از آن روزها خبر تلخی به گوش پادشاه رسید. دشمن، مردم این سرزمین را به اسیری برده بود. صدای ناله و آه مردم از دور دست‌ها به گوش پادشاه می‌رسید. قلب پادشاه شکست. او باید کاری می‌کرد. در حالی که او به فکر رفته بود، تنها فرزندش نزدش آمد. او پسری زیبارو بود که پدر او را عاشقانه دوست داشت. پسر نگاهی به چشمان پدر انداخت. او نمی‌توانست غم پدر را ببیند. اشک از گوشه چشم‌های پدر سرازیر شد.

پسر به پدر گفت: به من بگو که چطور می‌توانیم مردم را از اسیری آزاد کنیم و دوباره به این پادشاهی برگردانیم؟

پدر سرزش را به زیر انداخت و گفت: تنها یک راه وجود دارد!

پسر از پدر پرسید که آن راه چیست؟

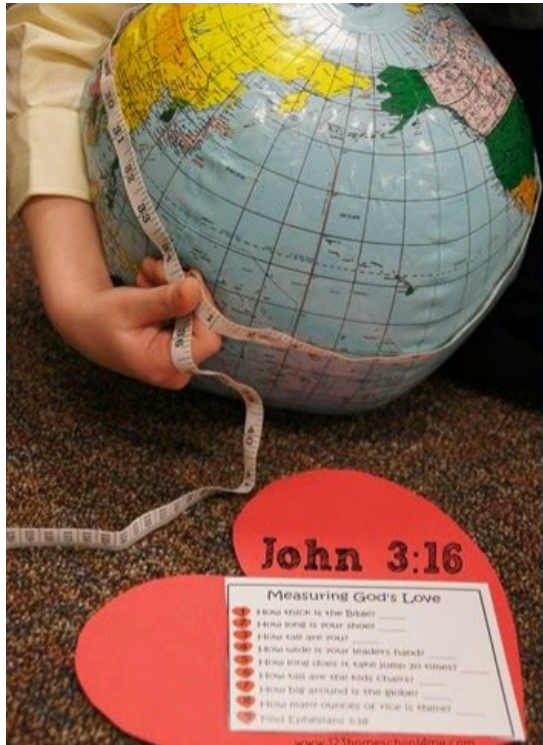
پدر به پسر عزیزش گفت: که تو برای نجات جان آنها به آن مکان تاریک بروی، و آنها را از دست دشمن رهایی دهی و به سرزمین نور بازگردانی.

پسر در چشمان پدر نگاهی کرد، عشق در چشمان هر دوی آنها دیده می‌شد. پسر دستان پدر را گرفت و بر آنها بوسه‌ای نهاد. پدر می‌دانست که پسرش عازم سفری است، سفری طولانی. سفر به زمین!

نتیجه‌گیری داستان

- ♦ از این مرحله به بعد داستان را همه می‌دانیم. مریم انتخاب شد که شاهزاده آسمانی از طریق او به این دنیا بیاید. فرشته خبر تولد عیسی را به یوسف و بعد به شبانان رساند. مجوسیان هم که سال‌ها در انتظار نجات‌دهنده بودند، با دیدن نشانه‌ای در آسمان فهمیدند که زمان موعود فرا رسیده، آنها نیز راهی شدند.

اگر فقط با گروه سنی ۴-۷ سال کار می‌کنید می‌توانید در این قسمت بخواهید که همسفرهای خودشان را از کیفشان بیرون بیاورند و روی میز بچینند. اگر خواستید می‌توانید به بچه‌ها کمک کنید تا آخری نیز بسازند. اما در صورتی که گروه‌های سنی مختلف را ادا‌قام کرده‌اید می‌توانید این قسمت را با تصاویر هم نشان دهید.



آیات زیر صرفاً برای مطالعه خود معلم است. این آیات به وضوح نشان می‌دهد که محبت بی‌قید و شرط خدا و عشق عیسی برای هر یک از ما قابل اندازه‌گیری نیست.

از این رو، زانو می‌زنم در برابر آن پدر که هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین، از او نام می‌گیرد، و دعا می‌کنم که بر حسب غنای جلال خود به شما عطا فرماید که در انسان باطنی خویش به مدد روح او قوی و نیرومند شوید، تا مسیح به واسطه ایمان در دل‌های شما ساکن شود، و در محبت ریشه دوانیده، استوار گردید، تا توان آن بیابید که با همه مقدسین، به درازا و پهنا و ژرفا و بلندای محبت مسیح پی ببرید و آن محبت را که فراتر از معرفت بشری است، بشناسید. (اِفَسسیان ۳:۱۴ - ۱۹)

عیسی، آن شاهزاده آسمانی، به‌خاطر عشقی که به پدر داشت راهی این سفر شد. او در آخری محقر به این دنیا آمد. او هر چه که در آسمان داشت را رها کرد، کوچک شد، فقیر شد، انسان شد و برای نجات تک تک ما به این دنیا آمد.

کاربرد

- از بچه‌ها بپرسید که چرا قبل از شنیدن داستان کتاب مقدس، در جعبه این هفته متر، خط‌کش و ساعت و ظرف اندازه‌گیری برای آشپزی پیدا کردیم؟
- این وسایل به چه دردی می‌خورند؟ این وسایل برای اندازه‌گیری هستند.

این قسمت شاید برای بچه‌های گروه سنی ۴-۷ سال دشوار باشد. می‌توانید برای این قسمت کلاس را به دو قسمت تقسیم کنید. اگر جلسات از طریق زوم تشکیل می‌شود می‌توانید به دو اتاق جدا بچه‌ها را بفرستید و برای گروه سنی ۴-۷ این صحبت‌ها را ساده‌تر کنید.

- از بچه‌ها بپرسید که چه چیزهایی هستند که ما می‌توانیم آنها را اندازه بگیریم؟ (وزن، قد، مساحت...)
- از بچه‌ها بپرسید که آیا می‌شود محبت را هم اندازه گرفت؟
- محبت هم قابل اندازه‌گیری است. در رابطه با انواع محبت با بچه‌ها بحث کنید.

نتیجه‌گیری درس

- همانطور که در یوحنا ۳: ۱۶ می‌خوانیم خدا آنقدر جهان را محبت کرد که پسر یگانه خود را فرستاد تا هر کس به او ایمان آورد، نجات یابد.
- گرچه محبت هم قابل اندازه‌گیری است، اما محبت خدا **آنقدر** بزرگ است که هنوز هیچ وسیله‌ای ایجاد نشده که از طریق آن بتوان محبت خدا را اندازه گرفت.



مأموریت بزرگ

به بچه‌ها توضیح دهید که ما به پایان سفر چهار هفته‌ای مان رسیدیم. اما سفر در همینجا تمام نمی‌شود. ما در طی این سفر با ماجرای تولد شاهزاده آسمانی، عیسی مسیح، او که عمانوئیل و نجات‌دهنده ماست آشنا شدیم. عیسی به این دنیا آمد برای نجات ما. حالا نوبت ماست که یک قدم برداریم. ما هم اگر می‌خواهیم از دست دشمن نجات پیدا کنیم باید به عیسی ایمان بیاوریم. و زمانی که به عیسی ایمان می‌آوریم وارد یک سفر جدید می‌شویم. سفر به سرزمین شیر و شهد، به آن سرزمینی که همیشه شادی خواهد بود، بچه‌ها در خیابان‌ها با شادی و خنده بازی می‌کنند. شیر و گوسفند، سگ و گربه همیشه با هم دوست هستند.

- ♦ از بچه‌ها بپرسید که آیا آماده هستند که وارد این سفر جدید شوند؟
- ♦ کوله‌پشتی‌ها و چمدان‌ها را برداریم چون باز یک سفر در پیش رو داریم، سفری طولانی. در این سفر ما نه تنها مسافر هستیم بلکه سفیر هم هستیم. سفیر نماینده یک کشور است. ما مأموریت داریم تا در این سفر عیسی را به دیگر مردم جهان که هنوز او را نمی‌شناسند معرفی کنیم.
- ♦ و باید به یاد داشته باشیم که در این سفر ۴ چیزی خیلی مهم است:
- ♦ باید بدانیم که در این سفر خدا، عمانوئیل همراه ماست، ما تنها نیستیم. پس نباید از چیزی بترسیم.
- ♦ این سفر طولانی هست، سر راه‌مان با موانع برخورد، با باد و طوفان و دره‌های عمیق و کوه‌های بلند. اما باید بدانیم که اگر ناامید نشویم و تا آخر ادامه دهیم، در نهایت به مقصد می‌رسیم.
- ♦ و یادمان نرود که در این سفر خیلی چیزها برای مان مشخص نیست. اما اگر ایمان داشته باشیم و هر روز یک قدم تازه برداریم مقصد خیلی هم دور نیست و به زودی به آنجا می‌رسیم.
- ♦ و در آخر فراموش نکنیم که ما سفیران محبت هستیم. همانگونه که خدا آنقدر ما را محبت کرد، ما نیز باید با تمام قلب، فکر و جان مان او را محبت کنیم و همه مخلوقات او را همانگونه که او آنها را عاشقانه دوست دارد، دوست داشته باشیم و محبت کنیم.

آیا آماده وارد شدن در این سفر جدید هستید؟ پس با شادی یک بار دیگر امثال ۳: ۵ و ۶ را بخوانید.

با تمام دل خود بر خداوند توکل کن، و بر عقل خویش تکیه منما؛ در همه راههای خود او را در نظر داشته باش، و او طریق‌هایت را راست خواهد گردانید.

♦ **سرود امثال ۳: ۵ و ۶** را برای بچه‌ها پخش کنید و تشویق کنید تا با هم سرود را بخوانید.

پروژه

از طریق این پروژه بچه‌ها، بر حسب گروه سنی خود باید برای هر روز بنویسند که چه کارهایی به‌عنوان سفیران شاهزاده آسمانی بر روی زمین می‌توانند انجام دهند:

من، سفیر شاهزاده آسمانی بر روی این زمین هستم.

روز اول (برگ ۱۹ از پاسپورت):

روز دوم (برگ ۲۰ از پاسپورت):

روز سوم (برگ ۲۱ از پاسپورت):

روز چهارم (برگ ۲۲ از پاسپورت):

روز پنجم (برگ ۲۳ از پاسپورت):

روز ششم (برگ ۲۴ از پاسپورت):

آفرین، شما بالاخره توانستید به بیت‌لحم برسید. پاسپورت شما پر شده است، در صورتی که می‌خواهید وارد یک سفر جدید شوید، بایستی یک پاسپورت جدید تهیه کنید. موفق باشید.